

دستاوردهای معنوی حج و راهکارهای حفظ آنها

مجتبی حیدری*

چکیده

از مباحث مهم در زمینه حج، بهره‌مندی از آثار و دستاوردهای معنوی و اخلاقی آن در تمام طول عمر است. باید به دنبال راهکارهایی بود تا با به‌کار گرفتن آنها بتوان این دستاوردها را در وجود خود حفظ کرد و گسترش داد. به‌طور کلی، راهکارهای حفظ و گسترش دستاوردهای معنوی حج را می‌توان در دو دسته جای داد: الف) راهکارهای فکری و شناختی، ب) راهکارهای عملی.

* راهکارهای فکری عبارت‌اند از:

۱. تفکر در جایگاه انسان در عالم هستی؛
۲. تفکر درباره دستاوردهای عظیم عمل حج؛
۳. توجه به احترام و موقعیت اجتماعی به دست آمده به سبب عمل حج؛
۴. یادآوری فضای معنوی حج؛
۵. توجه به قول و قرارها با خدا.

* راهکارهای عملی نیز عبارت‌اند از:

۱. مهار علائق و دل‌بستگی‌های دنیوی؛
۲. توجه بیشتر به عبادت و راز و نیاز با خدا؛

۳. التزام عملی بیشتر به اوامر الهی در همه ساحت‌های زندگی؛
۴. مهار نفس با کنترل ذهن و فکر؛
۵. مراقبت دائم از نفس؛
۶. اهتمام بیشتر به اجتناب از گناهان و توبه به درگاه خداوند؛
۷. پاک نگه داشتن مال و دارایی؛
۸. رعایت حقوق مردم.

کلیدواژه‌ها: دستاوردهای معنوی حج، حفظ دستاوردهای معنوی حج، معنویت در حج، بندگی در حج.

مقدمه

حج یکی از بزرگ‌ترین و پررنگ‌ترین رازترین عبادات الهی برای مسلمانان است. مناسک حج از احرام گرفته تا طواف و نماز طواف و مواقف و اعمال آنها، همگی مشحون از حکمت‌ها و اسراری است که به حج معنا می‌دهند و بر ارزشمندی آن می‌افزایند. توجه ویژه قرآن کریم به حج در زمینه‌هایی همچون توصیه به حج (حج: ۲۷)، بیان حکمت حج (حج: ۲۸)، احکام حج، امنیت حرم و... همگی بر جایگاه ویژه حج در میان آموزه‌های اسلامی دلالت دارد. حج سراسر یاد خدا و اظهار عبودیت به درگاه اوست. حج، حرکت در مسیر الهی و قرار گرفتن زیر باران رحمت الهی است. حج دستاوردهای بزرگی برای مسلمانان و جامعه اسلامی دارد. آنچه در این نوشتار مورد توجه است، دستاوردهای معنوی آن است؛ یعنی آن دسته از آثار و نتایج حج که به نورانیت قلب، سعادت ابدی، و ارتباط انسان با پروردگارش مربوط می‌شود. این دستاوردها را می‌توان در موارد زیر برشمرد:

۱. احساس نزدیکی با خدا و میل به ارتباط با او؛
 ۲. احساس پاکی و طهارت درونی؛
 ۳. کم‌ارزش شدن دنیا و مواهب دنیوی برای انسان؛
 ۴. اهمیت یافتن بُعد معنوی و سرای آخرت برای انسان؛
 ۵. مراقبت از نفس در برابر امیال نفسانی؛
 ۶. افزایش میل به عبادت و اعمال نیک.
- اما می‌دانیم که کسب این کمالات و فضایل، صرفاً برای برخورداری از آنها در طول

چند روز برگزاری مراسم حج نیست، بلکه هدف خداوند، از تشریح حج با آن اعمال خاص، تربیت انسان‌هاست تا در طول عمر، از آن دستاوردهای بزرگ بهره‌مند باشند و با سعادت ابدی قرین گردند (ر.ک. شیخ صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۴۰۴).

در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم:

«وَأَسْتَقِمَّ عَلَى شُرُوطِ حَجِّكَ وَوَفَاءِ عَهْدِكَ الَّذِي عَاهَدْتَ رَبَّكَ وَ أَوْجَبْتَهُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (جعفر بن محمد علیه السلام، ۱۴۰۰ق، ص ۴۹).

«و چون اعمالت به پایان رسید [بر شرط‌هایی که در حج با خدا بسته‌ای و بر وفای به عهده‌ی که با پروردگارت داری و بر خود واجب کرده‌ای، تا روز قیامت استقامت کن.»

در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که برای تحقق این هدف، حاجی پس از پایان مناسک حج و بازگشت از این سفر سراسر نور و معنویت، چگونه این آثار و نتایج عظیم را در طول زندگی، در خود حفظ کند. او چگونه در تعمیق دستاوردهای پراهمیت حج برای سعادت معنوی خود تلاش کند. به یقین، افراد با بازگشت به رفتارها و تعاملات پیشین خود، نمی‌توانند از نتایج عظیم حج به صورت طولانی‌مدت بهره‌مند شوند. بنابراین، ضروری است که شیوه‌ای جدید در زندگی به کار گیرند و گونه‌ای جدید از رفتار برگزینند تا به این هدف دست یابند.

در این مقاله به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت و اقدامات و راهکارهای حفظ و تعمیق دستاوردهای معنوی عمل حج را که ضروری است زائر آنها را به کار گیرد، بررسی می‌کنیم. این راهکارها را می‌توان در دو دسته کلی جای داد:

* راهکارهای فکری، * راهکارهای عملی.

الف) راهکارهای فکری و شناختی

اندیشیدن از اهداف اصلی آموزش دین، اعتقادات و رفتارهای دینی است. در آیات و روایات زیادی به تبیین جایگاه خرد و خردورزی در دین‌داری پرداخته شده است. اسلام دینی عقلانی است و همواره پیروان و حتی مخالفان خود را به تفکر و اندیشه دعوت کرده است. یکی از عوامل اساسی و مهم در تعمیق ایمان دینی، تفکر و اندیشه صحیح در مسائل اعتقادی، اخلاقی و احکام است (جوانبخت و دیگران، ۱۳۹۷ش، ص ۲۲۸).

فیض کاشانی درباره اهمیت فکر و اندیشه می‌گوید:

«هنگامی که علم در قلب آید، در آن تغییر ایجاد می‌کند و تغییر آن، موجب تغییر [رفتار]

اعضا و جوارح می شود. پس عمل، تابع حال است و حال، تابع علم و علم، تابع فکر است. بنابراین، فکر اصل و کلید خیرات است.» (فیض کاشانی، ۱۳۷۹ ش، ج ۱، ص ۲۴۲). از سوی دیگر می دانیم که باورها و رفتارهای دینی، نیازمند حفظ و تحکیم‌اند و بدون تلاش در این زمینه، به تدریج باورهای آدمی رو به ضعف می گذارند و به دنبال آن، رفتارهای دینی نیز دچار خلل می شوند. حج، از جمله رفتارهای دینی است و تفکر، یکی از مهم ترین راه های حفظ دستاوردهای معنوی آن به شمار می رود. فکر کردن درباره امور مختلف می تواند در این زمینه نقش ایفا کند که در ادامه به آنها می پردازیم:

۱. تفکر درباره جایگاه انسان در عالم هستی

این مورد هر چند با حج و حفظ دستاوردهای آن ارتباط مستقیم ندارد، بدون شک نقش زیادی در این زمینه ایفا می کند. توضیح آنکه انسان از آفریده های خاص خداوند است و در میان مخلوقات الهی، جایگاهی ویژه دارد و از این رو، مورد سجده فرشتگان قرار گرفته است (حجر: ۳۰)، خداوند انسان را به عنوان جانشین خود بر روی زمین آفرید (بقره: ۳۰) و به او کرامت ذاتی عطا کرد (اسراء: ۷۰)، اما انسان می تواند با رفتارهای اختیاری خود، از کرامت اکتسابی نیز بهره مند گردد. انسان از قوه تعقل برخوردار است؛ قوه ای که به او قدرت درک مطالب عمیق می دهد و امکان رشد و تکامل وجود را در اختیار او می گذارد (بقره: ۲۶۹). جایگاه انسان بسیار فراتر از حیوانات است؛ زیرا حیوانات صرفاً به خورد و خوراک خود می اندیشند و چیزی فراتر از آن برایشان مطرح نیست، ولی انسان برای هدفی والاتر از لذت های مادی خلق شده و جهت گیری امیال او به سوی بی نهایت است (مصباح یزدی، ۱۳۸۴ ش، ص ۹۸) و خداوند، توانمندی و امکانات بسیاری در اختیار او قرار داده است؛ به گونه ای که می تواند با بندگی و عبادت خدا به قرب و رضوان الهی که بالاترین درجه کمال است، دست یابد (تحریم: ۱۱؛ فجر: ۳۰-۲۷).

تفکر و مطالعه در این امور و آگاهی از آنها، در کنار آگاهی از ارزش و جایگاه حج در وصول آدمی به کمال معنوی و سعادت ابدی، آدمی را به حرکت وامی دارد. فردی که به جایگاه و نقش خود در هستی آگاه است و نیز با انجام دادن مناسک حج،

به اهمیت آن در سوق دادن انسان به سوی کمال واقعی آگاه شده، تلاش می کند آثار و دستاوردهای آن را برای خود حفظ کند و از زایل شدن آنها جلوگیری نماید. بلکه کوشش خواهد کرد آثار مزبور را توسعه دهد و بر غنای آنها بیفزاید.

۲. تفکر درباره دستاوردهای عظیم عمل حج

حج، یکی از عبادات بزرگ و پرفضیلت در اسلام است که با اجر و ثواب بی حدی که برای آن شمرده شده، می تواند سعادت ابدی حاجی را تأمین کند. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم:

«إِنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ حِينَ يَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهِ حَاجًّا لَا يَخْطُو خُطْوَةً وَلَا تَخْطُو بِهِ رَأْسَهُ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا حَسَنَةً وَمَحَا عَنْهُ سَيِّئَةً وَرَفَعَ لَهُ بِهَا دَرَجَةً فَإِذَا وَقَفَ بِعَرَفَاتٍ فَلَوْ كَانَتْ لَهُ ذُنُوبٌ عَدَدَ الشَّرَى رَجَعَ كَمَا وَلَدَتْهُ أُمُّهُ فَقَالَ لَهُ اسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۶، ص ۳۱۵).

«هنگامی که بنده مؤمن برای انجام دادن عمل حج از خانه اش خارج می شود، به ازای هر قدمی که خودش برمی دارد و به ازای هر قدمی که مرکبش برمی دارد، خداوند حسنه ای برای او می نویسد و گناهی از او پاک می کند و او را درجه ای بالاتر می برد. پس آنگاه که در عرفات وقوف می کند، حتی اگر گناهان او به تعداد [ذات] خاک ها باشد، آن گونه که از مادرش متولد شده بود، باز می گردد. پس خداوند به او می فرماید: عمل خود را از نو آغاز کن.»

هریک از مناسک حج، اسرار و حکمت های بسیار پرمغزی دارد (برای مثال، ر.ک: به: ضیاء آبادی، ۱۳۹۲ش، ص ۱۶۷ به بعد) که زائر سالک بیت الله الحرام با گذشتن از خود و خواهش های نفسانی و تقرب به ذات اقدس خداوند، می تواند به آنها دست یابد. مناسک حج همچنین می تواند بر اخلاق و شیوه زندگی حاجیان تأثیر بگذارد و آنان را به برخورداری از مکارم اخلاق موفق گرداند (ر.ک: حیدری، ۱۳۹۶ش).

همچنین توجه به اینکه حاجی بر خداوند وارد می شود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۶۳)، میهمان او (شیخ صدوق، ۱۳۷۶ش، ص ۴۶۷)، و در ضمان خداوند است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۵۶ - ۲۵۵)، اهمیت این عمل را در چشم زائر افزون می گرداند.

تفکر درباره این امور و توجه به آنها پس از بازگشت از سفر حج، از راه‌های مهم در افزایش انگیزه افراد برای حفظ دستاوردهای عمل حج است. کسی که مزه حج و پاکی روح و تزکیه جان از آلودگی‌های معنوی را چشیده است، با اندیشه و تأمل درباره آن، به حفظ و گسترش دستاوردهای آن برانگیخته می‌شود.

۳. توجه به احترام و موقعیت اجتماعی به دست آمده به سبب عمل حج

یکی از مفاهیم مهم در اسلام، عزت نفس است که از آن، در روان‌شناسی به «حرمت خود» [Self-esteem] تعبیر می‌کنند. بسیاری از نظریه‌پردازان شخصیت، از «حرمت خود» به عنوان نیاز اساسی انسان و آنچه پیوسته برای دستیابی به آن تلاش می‌کند، یاد کرده‌اند. راجرز [Rogers, C] و مزلو [Maslow, A] اهمیت فوق‌العاده برای این نیاز قائل شده و معتقدند که هدف اصلی، رسیدن به خودشکوفایی و حرمت نفس مثبت است و برای رسیدن به آن باید از تمام توانایی‌ها و ظرفیت‌های خود بهره گرفت. برآورده شدن نیاز به احترام، به ما امکان می‌دهد احساس بهتری داشته باشیم. همچنین به ما فرصت می‌دهد تا بهتر زندگی کنیم و با چالش‌های زندگی بهتر روبه‌رو شویم و از فرصت‌های مطلوب، بهره بیشتری ببریم. زمانی که نیاز به احترام ارضا شود، انسان احساس خوشایندی از اعتماد به نفس و خودارزشمندی، توانایی، قابلیت، لیاقت و کفایت پیدا می‌کند (سالاری فر و دیگران، ۱۳۹۳ش، صص ۱۱۵-۱۱۴).

در جامعه‌شناسی از احترام و عزت نفس به «موقعیت اجتماعی» تعبیر می‌شود. موقعیت اجتماعی، مقام و موضعی است که یک فرد در یک جامعه و در زمانی معین اشغال می‌کند (بیرو، ۱۳۶۶، ص ۳۷۱). موقعیت اجتماعی یکی از موضوعات و محورهای مورد توجه در ارزیابی پایگاه اجتماعی است و عبارت است از جایگاه و مقام فرد در سلسله‌مراتب کیفی کل جامعه به استناد مجموع ارزیابی‌ها از هر یک از پایگاه‌هایی که احراز کرده و پاداش‌هایی که از هر یک از آنها عایدش شده است (کوزر، ۱۳۷۳ش، ص ۴۵). احراز موقعیت یا رتبه خاص اجتماعی، احرازکننده را از دریافت پاداش و حیثیت خاص اجتماعی برخوردار می‌سازد (ادیبی، ۱۳۵۴ش، ص ۳).

برخورداری از عزت نفس و پایگاه اجتماعی بالا، یکی از نعمت‌هایی است که خداوند به بندگان خود عطا می‌فرماید. خداوند بلند آوازه ساختن پیامبر خدا ﷺ را به عنوان یکی از نعمت‌هایش به آن حضرت برمی‌شمارد (الشرح: ۴). در جامعه دینی، احترام و عزت نفس از سوی خداوند به افراد داده می‌شود (نساء: ۱۳۹؛ یونس: ۶۵). در همین رابطه در دعای کامل می‌خوانیم:

«وَكَمْ مِنْ تَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ نَشْرُتُهُ» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۸۴۵).

[خدایا،] چه بسیار ثنا و تمجیدی که من شایسته آن نبودم و تو آن را [درباره من] منتشر کردی.»

راه بهره‌مندی از احترام و عزت نفس در جامعه، برخوردار شدن از ایمان و تقوای الهی است (مریم، ۹۶؛ منافقون، ۸). هر قدر ایمان و عمل صالح انسان بیشتر باشد، احترام و عزت نفس بیشتری خواهد داشت. حجاج خانه خدا نیز به دلیل توفیق ادای فریضه حج و احساس دیگران نسبت به پابندی آنان به موازین شرعی، در جامعه و نزد دیگران، جایگاه ویژه‌ای دارند.

در اینجا می‌توان نتیجه گرفت یکی از راه‌های مناسب برای حفظ آثار و نتایج عمل حج، توجه مداوم به عزت و آبرویی است که خداوند نصیب حاجی کرده و او را مورد احترام مؤمنان قرار داده است. حاجی می‌داند که پیش فرض افراد در احترام به او، پرهیزگاری و تقوایی است که احساس می‌کنند در او وجود دارد، و اگر در واقع نیز چنین نباشد، احترامی که به او گذاشته می‌شود و موقعیت اجتماعی‌ای که از آن برخوردار است، سزاوار او نیست. به تعبیر دیگر، لزوم هماهنگی و تناسب بین «خودپنداره» [self-concept] و «خودآرمانی» [ideal-self] و نزدیک بودن آنها به یکدیگر (بشیری و حیدری، ۱۳۹۶ش، ص ۵۳۳)، حاجی را به سمت حفظ دستاوردهای معنوی حج سوق می‌دهد تا شایسته عزت و احترامی باشد که در جامعه از آن برخوردار است.

۴. یادآوری فضای معنوی حج

یکی از روش‌های حفظ مطالب در ذهن و یادآوری آنها، مجسم کردن مکان یادگیری آنهاست. در این روش، فرد ابتدا موقعیت یا مکان یادگیری را فرا می‌گیرد

و سپس مطلب مورد نظر را؛ آن گاه به هنگام یادآوری، خود را در مکان مزبور تصور می کند و به دلیل ارتباطی که بین مکان و مطلب مورد نظر برقرار شده است، یادآوری مطلب رخ می دهد (سیف، ۱۳۷۷، ص ۳۰۶).

این تکنیک را درباره حج نیز می توان به کار برد. بخشی از دستاورد معنوی حج، حال و هوای معنوی ای است که زائر بیت الله الحرام در آن قرار گرفته و تجربه کرده است. در آن حال و هوا، او خود را در فضایی بسیار نورانی و پر معنویت و نزدیک به خداوند می دیده است؛ به گونه ای که احساس می کرده که خداوند صدای او را می شنود و پاسخ می گوید. او می توانسته به راحتی با خدا صحبت کند و درد دل های خود را با او در میان بگذارد. این حال و فضا، لذت بخش ترین موقعیتی است که هر فردی می تواند آن را تجربه کند.

پس از سفر حج، یکی از راهکارهای حفظ دستاوردهای حج، تجسم و به خاطر آوردن فضای مسجدالحرام و مسجدالنبی و سایر اماکن مقدس و متبرک سرزمین وحی است. در آن فضا فرد خود را در جوار رحمت الهی می دیده، دنیا و همه زیبایی هایش برای او کم ارزش جلوه می کرده، و دغدغه های مادی را از یاد می برده است. یادآوری آن فضا و قرار دادن خود در آن فضای معنوی، احساس معنوی پیشین را به آدمی بازمی گرداند، دنیا را در نظر او کوچک می سازد و رغبت او را به انجام دادن رفتارهای نیک افزایش می دهد. بدین ترتیب، تجسم اماکن مقدس مکه و مدینه، راهی مناسب برای حفظ آثار مثبتی است که فرد از حج به دست آورده است.

۵. توجه به قول و قرارها با خدا

یکی از صفات نیک مؤمنان این است که بر سر قرار خود با دیگران هستند و عهد و پیمان خود را فراموش نمی کنند. این مطلب در منابع اسلامی مورد سفارش اکید قرار گرفته است. رسول خدا ﷺ در سفارش های خود به امام علی ع فرمود:

«يَا عَلِيُّ مِنْ صِفَاتِ الْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ جَوَّالَ الْفِكْرِ - إِلَى أَنْ قَالَ - وَإِذَا وَعَدَ وَفَى».

«یا علی، از صفات مؤمن این است که فکر او جوّال است (تا آنجا که فرمود):

و هنگامی که وعده می‌دهد، به آن وفا می‌کند» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۴۶۰).
 وفای به عهد و پیمان از چنان اهمیتی برخوردار است که مطابق برخی روایات،
 کسی که به عهد و پیمان خود پایبند نباشد، دین ندارد (طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۴۶).
 یکی از عهد و پیمان‌های آدمی، عهدی است که با خدای خود بسته است.
 خداوند در قرآن کریم، عهد و پیمان مزبور را گوشزد کرده و فرموده است:

﴿أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ * وَأَنْ اعْبُدُونِي
 هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾ (یس: ۶۱-۶۰)

«آیا با شما عهد نکردم، ای فرزندان آدم، که شیطان را نپرستید که او برای شما
 دشمن آشکاری است، و اینکه مرا پرستید که راه مستقیم این است؟!»

مراد از این عهد در این آیه، همان عهدی است که خداوند به زبان انبیا و رسولان
 خود به بشر ابلاغ فرمود و به آنان هشدار داد که باید از او پیروی کنند؛ مانند این پیام
 که فرمود: ﴿يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ﴾ (اعراف: ۲۷) و نیز
 فرمود: ﴿وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾ (زخرف: ۶۲) (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق،
 ج ۱۷، ص ۱۰۲).

زائران خانه خدا نیز هنگام انجام دادن مناسک حج، با تأثیرپذیری از وضعیت معنوی
 حاکم بر حج، با خداوند عهد و پیمان می‌بندند که همواره به یاد او باشند، از دستورهایی او
 سرپیچی نکنند و از مسیر حق منحرف نگردند. به خاطر داشتن این قول و قرارها، فراموش
 نکردن آنها و پایبندی به آنها، عاملی مهم در حفظ دستاوردهای معنوی حج است.

ب) راهکارهای عملی

۱. مهار علائق و دل‌بستگی‌های دنیوی

لذت‌خواهی یکی از ویژگی‌های بارز انسان است و اصولاً هدف از همه
 رفتارهای انسان کسب لذت می‌باشد. به همین سبب قرآن کریم نه تنها وجود گرایش
 به لذت را در انسان انکار یا آن را محکوم نمی‌کند، بلکه مجموعه‌ای از تعالیم خود را

بر پایه این میل طبیعی انسان مبتنی می‌سازد و در روش تربیتی خود، از وجود آن بهره می‌برد. در بینش قرآنی، لذت‌خواهی یله، رها و افسارگسیخته نیست؛ بلکه به تناسب اهداف تکاملی انسان، اولاً ماهیت آن با لذت‌های گذرا و فناپذیر دنیایی، متفاوت است (لذتی ماندگار است)؛ ثانیاً انسان باید متناسب با هدف خویش، لذت ماندگار را بر لذت زودگذر ترجیح دهد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴ش، ص ۳۳۸).

از منظر قرآن کریم و نیز روایات مرتبط با آن، لذت واقعی و ماندگار برای انسان با دستیابی به مقام رضوان و کمال فراهم می‌گردد و در نتیجه، افزون بر حیات مادی، مستلزم حیات فرامادی نیز هست. اسلام با نكوهش شدید دل‌بستگی به زندگی مقطعی مادی، آن را موجب خسران می‌داند و به پیروانش دستور می‌دهد که آخرت‌گرایی و لذت‌خواهی واقعی را مد نظر خویش قرار دهند؛ زیرا حیات اخروی ماندگار و جاویدان است: ﴿بَلْ تُؤْتِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا * وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾ (اعلی: ۱۷-۱۶). قرآن با چنین رویکردی تصریح می‌کند:

«آنان که طالب دنیا باشند، ما در دنیا هر آنچه را خود بخواهیم و برای آن کس که خود می‌خواهیم، پیش می‌فرستیم. سپس جهنم را قرار داده‌ایم تا او را در حالی که نکوهیده و مردود شده است، بسوزاند و آنان که آخرت را طلب نمودند و کوشش لازم را برای رسیدن به آن مبذول داشتند، در حالی که مؤمن بودند، سعی‌شان ارج نهاده می‌شود.» (اسراء: ۱۹-۱۸).

از دید قرآن، دنیا‌گرایی افراطی، زمینه‌ها و ظرفیت‌های بسیاری را برای انحراف، گمراهی و محرومیت از نیل به نعمت‌های مطلوب و کمال غایی فراهم می‌سازد و در مقابل، حرکت به سوی لذت واقعی، زمینه‌ساز سعادت ابدی است. به فرموده امام علی (علیه السلام): «سعادت‌مندترین مردم، کسی است که لذت فانی را برای رسیدن به لذت ماندگار ترک کند» (آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۰۶).

افتادن در منجلاب لذایذ زودگذر همچون علاقه مفراط به مال و دیگر مشتیهات مادی و این‌جهانی، شادکامی‌هایی را ایجاد می‌کند که انسان را از تکاپو برای رسیدن به کمال معنوی و تعالی روحانی بازمی‌دارد. در برخی روایات، برای برجسته‌سازی

استعداد فریبندهای تعلقات مادی، دنیا به ماری تشبیه شده که ظاهرش بسی نرم و جذاب، و باطن آن پر از سم کشنده است. این ظاهر جذاب، انسان را به تماس با او سوق می‌دهد؛ تماسی که هلاکت و نابودی قطعی را در پی دارد. در رویارویی با این جلوه‌گری فریبنده دنیا، بهره‌گیری از خرد و اندیشه و توجه به زودگذر بودن لذت‌های دنیوی، موجب اجتناب از نزدیک شدن به آن می‌گردد و آدمی را از دل بستن به آن باز می‌دارد.

بدین ترتیب، می‌توان اذعان داشت که از دیدگاه اسلام، دل‌بستگی و تعلق خاطر به دنیا و لذت‌های طبیعی آن، اگر با عقلانیت، کمال‌جویی و تعالی معنوی انسان در تعارض باشد، مورد نکوهش است. از این رو، در زندگی مؤمنان، مال‌اندوزی، ریاست‌طلبی، شکم‌پرستی، زن‌بارگی و... جایگاهی ندارند. در این نگاه، مطالبه نعمت‌ها و امکانات این جهانی تنها جنبه وسیله‌ای دارند و از جهت مساعدت در جهت نیل به اهداف غایی، ارزش و اعتبار می‌یابند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴ش، ص ۳۴۱).

نکات گفته‌شده به خوبی درباره حجاج خانه خدا قابل انطباق است؛ زیرا یکی از دستاوردهای مهم حج، کنده شدن دل انسان از دنیا و مسائل دنیوی و شوق به ارتباط با پروردگار است. اما ایام حج، محدود است و به سرعت پایان می‌یابد. با این حال، باید این دستاورد عظیم را حفظ کرد. مراقبت از خود در مواجهه با دنیا و مواهب دنیوی و اجتناب از افراط در مال‌اندوزی، جاه‌طلبی و امثال آن در طول زندگی، راهکاری بسیار مهم در حفظ معنویت و نورانیتی است که در حج به دست آمده است.

۲. توجه بیشتر به عبادت و راز و نیاز با خدا

عبادت، راز و نیاز با خداوند و کرنش در مقابل او، جایگاه ویژه‌ای در اسلام دارد. آیات قرآن کریم و روایات رسیده از معصومین علیهم‌السلام مملو از سخنانی است که آدمی را به عبادت خداوند فرامی‌خواند. قرآن کریم هدف از خلقت آدمی را عبادت خداوند معرفی کرده (ذاریات: ۵۶) و به انسان‌ها دستور داده است خدا را عبادت کند تا به تقوای الهی دست یابد (بقره: ۲۱). مطابق روایات، بهترین انسان‌ها کسی است که به عبادت عشق بورزد، با قلب خود آن را دوست داشته باشد و با بدن خود به انجام دادن آن

مبادرت ورزد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص ۸۳). خداوند اگر کسی را دوست داشته باشد، به او نعمت عبادت نیکو عطا می فرماید (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ش، ص ۱۷۵).

در این میان، حج به عنوان یک عبادت جامع و در بر دارنده اعمال متعدد و متنوع، دارای جایگاهی ویژه است. مناسک حج، چونان کارگاه عملی در زمینه عبادت و بندگی عمل می کند و عبادت را به عنوان بخش مهمی از سبک زندگی فرد قرار می دهد (حیدری، ۱۳۹۶ش، ص ۵۱). همچنین حجاج بیت الله الحرام در کنار اعمال مخصوص حج از قبیل احرام، طواف، سعی و وقوف، به عباداتی که در خارج از مناسک حج نیز می توان آنها را انجام داد، می پردازند. نماز یکی از این واجبات است که ادای آن همواره ضروری است. اهمیت دادن به نماز در زمینه هایی همچون به جای آوردن نماز اول وقت، حضور قلب در نماز، نماز به جماعت، مورد تأکید منابع دینی است (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۷۴؛ شیخ صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۲۶۲). همچنین حضور در مساجد برای عبادت بسیار مورد سفارش قرار گرفته است (شیخ صدوق، ۱۳۷۶ش، ص ۳۵۹). در نهایت می توان توجه به قرآن، قرائت آن و تدبیر در آن را ذکر کرد که بنا بر توصیه اهل بیت علیهم السلام در ایام حضور حجاج در سرزمین وحی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۱۲) مورد توجه قرار می گیرد و در همه ایام سال، مورد تأکید اولیای دین است (ر.ک: بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹، ص ۱۷).

می دانیم که دستاوردهای معنوی و عرفانی حج در سایه عبادت و راز و نیاز با خدا به دست می آید. لذا حفظ آن در طول عمر نیز در سایه تداوم عبادت و مناجات با خداوند امکان پذیر است. هر گونه بی توجهی یا کوتاهی و تساهل در این زمینه، به ویژه درباره عبادت های واجب از قبیل نماز و روزه، فرد را از خداوند دور می سازد و آثار و نتایج عبادات پیشین، از جمله حج را زایل می کند.

۳. التزام عملی بیشتر به دستورهای خداوند در همه ساحت های زندگی

می دانیم که آدمی در پیشگاه قدس ربوبی، مخلوقی از مخلوقات خداوند، و بنده ای بیش نیست (مریم: ۹۳). از این رو وظیفه ای جز بندگی و اطاعت از اوامر الهی ندارد و نباید در این زمینه کوتاهی کند. از سوی دیگر می دانیم که اسلام دینی همه جانبه است

و علاوه بر دستورهای عبادی، برای همه ساحت‌های زندگی بشر برنامه دارد. بنابراین بندگی نیز در همه عرصه‌های زندگی انسان جاری و ساری است و نمی‌توان عرصه‌ای یافت که در آن، لزوم اطاعت از خداوند، مطرح نباشد. بدین ترتیب، رسیدن به کمال وجودی و سعادت ابدی جز در سایه بندگی و اطاعت خدا در همه جنبه‌های زندگی میسر نمی‌گردد. اطاعت از خداوند، مایه گشایش در امور و رفع مشکلات (آقاجمال خوانساری، ۱۳۶۶ش، ج ۴، ص ۲۵۵)، باعث نزول رحمت الهی بر انسان (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ش، ص ۱۱۲)، و رسیدن به خواسته‌ها (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷۴) می‌گردد.

زندگی انسان ابعاد متعددی دارد؛ از قبیل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، خانوادگی و... و ضروری است افراد در همه این ساحت‌ها در جاده حق و راستی حرکت کنند و از این مسیر خارج نشوند؛ برای مثال: اسلام در زمینه کسب و کار دستورهای بسیاری دارد و افراد را از انجام دادن کارهایی مانند گرانفروشی، احتکار و کم‌فروشی نهی می‌کند. همچنین خداوند افراد را به رعایت اخلاق اسلامی و انسانی در تعاملات اجتماعی و خانوادگی فرامی‌خواند و آنان را به مثبت‌اندیشی، خیرخواهی، نرم‌خویی، مدارا، خوش‌زبانی، تواضع و دیگر رفتارهای نیک اجتماعی دعوت می‌کند.

حفظ آثار و نتایج حج در زمینه‌های اخلاقی و معنوی، مشروط به رعایت دستورهای اسلام در زمینه‌های گوناگون؛ مانند کسب و کار، رفتار با دیگران (شامل همسر و فرزندان، دوستان و آشنایان و...) است؛ چرا که این گونه رفتارها باعث کسب اجر اخروی و تقرب به خداوند می‌شوند و زیر پا گذاشتن آنها، معصیت به حساب می‌آید. از این رو، رعایت این امور، علاوه بر آنکه موجب حفظ دستاوردهای حج می‌شود، آدمی را در این مسیر به پیش می‌برد و بر تقوا و معنویت او می‌افزاید.

۴. کنترل ذهن و فکر

بسیاری از رفتارهای ناپسند، ابتدا از فکر کردن به آنها شروع می‌شود (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۴۲). فکر کردن به معاصی و جلوه دادن آنها در ذهن، آدمی را به ارتکاب آنها سوق می‌دهد (آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۲۳). به همین دلیل یکی از راه‌های

کنترل نفس و مصون ماندن از ارتکاب به خطاها این است که فکر خود را از توجه به رفتارهای ناپسند منحرف کنیم و به امور خیر مصروف داریم.

تفکر در امور خیر یا شرّ، به تدریج می‌تواند جرئت و آمادگی انجام دادن متعلّق فکر را در روح و روان آدمی فراهم آورد و در آینده نزدیک، او را جزو عاملان آن اندیشه ذهنی قرار دهد. پس برای مصون ماندن از ارتکاب رفتارهای زشت و ناپسند، باید اجازه اندیشیدن به آن رفتارها را به خود نداد و در عوض، فکر را به سمت امور خیر هدایت کرد (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۴ش، ص ۲۶۰)؛ زیرا چنان‌که از امام علی علیه السلام نقل شده:

«إِنَّ التَّفَكُّرَ يَدْعُو إِلَى الْبِرِّ وَالْعَمَلِ بِهِ»؛ «تفکر، به سوی نیکی و عمل به آن فرا می‌خواند.»

(کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۵).

توصیفی که از کنترل فکر ارائه شد، برای همگان به‌ویژه برای حجاج بیت‌الله الحرام - که به دنبال حفظ دستاوردهای معنوی حج در وجود خود هستند - ضرورت دارد. در طول ادای مناسک حج، به دلیل حال و هوای ویژه حرم ابراهیمی و نیز خصوصیت اعمال حج در سوق دادن فکر و اندیشه آدمی به سوی عبادت و بندگی، کنترل فکر به صورت طبیعی رخ می‌دهد. لذا بسیار بعید است که فردی در هنگام انجام دادن حج، عالماً و عامداً مرتکب معصیت شود. آنچه مهم است، حفظ این حالت و روحیه پس از حج است. کنترل فکر در طول عمر می‌تواند آدمی را در مقابل بسیاری از گناهان حفظ کند و جایگاه افراد به ویژه حجاج بیت‌الله الحرام را در جامعه ارتقا بخشد.

۵. مراقبت دائم از نفس

برای ایجاد فضیلت‌ها و پایداری آن در جان آدمی و تبدیله به ملکه نفسانی، تکرار و مداومت در انجام دادن رفتارهای مربوط، ضروری است؛ به عبارت دیگر، در تربیت نفس، افزون بر آگاهی از راه‌های کنترل نفس و اهتمام ورزیدن به آن، مداومت و استمرار نیز اجتناب‌ناپذیر است و بدون آن هرگز در تسلط بر نفس توفیقی حاصل نخواهد شد. اگر هم توفیقی به دست آید، گذرا است و به سرعت فراموش می‌شود.

توضیح آنکه کنترل نفس و مقابله با تمایلات آن مقطعی و گذرا نیست؛ بلکه مشغله‌ای دائمی است؛ زیرا آنگاه که زمینه مساعد برای تحریک غرایز و شهوات فراهم آید، هوای نفس تحریک شده، فوران می‌کند و به اصطلاح علم روان‌شناسی، به هیجان تبدیل می‌شود. این رویداد، هر لحظه ممکن است روی دهد. از این رو، انسان همواره باید آماده مقابله با تمایلات نفسانی و هیجانات درونی باشد؛ به عبارت دیگر، هواهای نفسانی توجه همیشگی می‌طلبد و شاید لحظه‌ای غفلت، به ارتکاب خطا منجر شود؛ خطایی که در برخی موارد جبرانش دشوار و گاه ناممکن است. این همان چیزی است که در سیر و سلوک و آموزه‌های عرفانی از آن به «مراقبه» تعبیر می‌کنند (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۴ش، ص ۲۸۳).

در حدیثی از امام علی علیه السلام می‌خوانیم:

«يُنْبَغِي أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ مُهَيِّمًا عَلَى نَفْسِهِ مُرَاقِبًا قَلْبَهُ حَافِظًا لِسَانَهُ» (آقاجمال

خوانساری، ۱۳۶۶ش، ج ۶، ص ۴۴۵).

«سزاوار است انسان بر خویشتن مسلط شود و همیشه مراقب قلب و نگاهدار زبانش باشد.»

بنابراین، برای ایجاد سجیه اخلاقی، تکرار رفتار متناسب با آن سجیه و برای تکرار آن رفتار، اهتمام، جدیت و سختگیری بر نفس خود ضروری است و بدون اهتمام به استمرار آن، امکان تلبس به سجیه اخلاقی وجود ندارد. یکی از دستاوردهای عظیم حج برای افراد، مراقبت و مواظبت از نفس در مقابل خواسته‌های نفس اماره است. حفظ دستاوردهای معنوی و روحانی حج نیز نیازمند مراقبت دائم از نفس در عمل به وظایف و کنترل خواهش‌های نفسانی است و حجاج بیت‌الله الحرام که عزم دارند به آثار عمل خود تداوم ببخشند، ضروری است به این امر مداومت ورزند.

۶. اهتمام بیشتر به اجتناب از گناهان و توبه به درگاه خداوند

در کنار عبادت و بندگی و سرساییدن به آستان مقدس ربوبی، آنچه می‌تواند به عنوان شق دوم ایمان مورد توجه قرار گیرد، پرهیز از محرّمات الهی است (حیدری، ۱۳۹۶ش، ص ۵۵). گناه، موجب قساوت قلب (شیخ صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۸۱)، سلب نعمت‌های الهی

(کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۷۴)، عدم نزول رحمت خداوند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۷۲)، تضعیف ایمان (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۷۱) و تکذیب آیات الهی (روم: ۱۰) می شود. گناه همچنین می تواند اجر و ثواب حاصل از عبادات انسان را زایل گرداند (ر.ک. شیخ صدوق، ۱۳۷۶ش، ص ۶۰۷).

حج گزار پس از محرم شدن، لازم است از محرّمات احرام اجتناب ورزد. مناسک حج نیز آدمی را به سوی ترک گناه و مخالفت با هوای نفس فرا می خواند؛ بدین ترتیب، حج فرصتی است برای تمرین مخالفت با هواهای نفسانی.

در حدیث معروف شبلی می خوانیم:

«فَحِينَ أَحْرَمْتَ نَوَيْتَ أَنَّكَ حَرَّمْتَ عَلَى نَفْسِكَ كُلَّ مُحْرَمٍ حَرَّمَهُ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ -
قَالَ: لَا» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ص ۱۶۷).

«وقتی احرام بستی، نیت کردی که همه محرّمات خدا را بر خود حرام سازی؟
[شبلی] گفت: نه».

مناسک حج همچنین افراد را به سوی پشیمانی و توبه به درگاه خداوند سوق می دهد. در حدیثی از امام رضا علیه السلام آمده است:

«فَإِنْ قَالَ فَلِمَ أُمِرَ بِالْحَجِّ قِيلَ لِعَلَّةَ الْوَفَادَةَ إِلَى اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - ... وَ الْخُرُوجِ مِنْ كُلِّ
مَا اقْتَرَفَ الْعَبْدُ تَائِبًا مِمَّا مَضَى مُسْتَأْنِفًا لِمَا يَسْتَقْبِلُ» (شیخ صدوق، ۱۳۷۸ق،
ج ۲، ص ۱۹۱).

«اگر کسی بپرسد چرا خدا به حج امر فرمود؟ در پاسخ گفته می شود: برای ورود به ساحت خداوند - عز و جل - ... و بیرون شدن از گناهی که تاکنون از او سر زده است و توبه از آنچه پیش تر رخ داده است و آغاز [به عمل] برای آینده».

اصولاً نشانه قبولی حج، توبه و اجتناب از گناهان پس از عمل حج معرفی شده

است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

«آيَةُ قَبُولِ الْحَجِّ تَرْكُ مَا كَانَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ مُقِيمًا مِنَ الذُّنُوبِ» (نوری، ۱۴۰۸ق،
ج ۱۰، ص ۱۶۵).

«نشانه قبولی حج، ترک گناهی است که بنده به ارتکاب آنها عادت کرده است».

بنابراین یکی از مهم‌ترین راه‌های حفظ این دستاورد عظیم حج، اجتناب از گناهان پس از بازگشت از سفر حج است.

جبران گذشته با کارهای نیک: هر چند توبه از گناهان پیشین، عمل به واجبات و ترک محرمات، ضروری و حیاتی‌اند؛ ولی اینها حداقل‌هایی هستند که بدون آنها قدم نهادن در مسیر تعالی، غیرممکن است. از این رو، لازم است آدمی خود را به ابزار دیگری مجهز کند که او را در مسیر تعالی و ارتقای روحی یاری کند. افزون بر اینکه گناه و نافرمانی خدا، روح آدمی را دچار زنگار می‌کند و روان او را کدر می‌سازد. پاک‌سازی زنگارها در مواردی نیازمند آن است که فرد در کنار توبه، به انجام دادن رفتارهای نیک نیز بپردازد؛ چرا که ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾ (هود: ۱۱۴). به فرموده قرآن کریم: ﴿ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَ أَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَعَفُورٌ رَحِيمٌ﴾؛ (نحل: ۱۱۹)

برخی از کارهای نیک همچون صلۀ رحم (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۵۰)، انفاق و صدقه دادن (توبه: ۱۰۳)، حل مشکلات دیگران (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۹۳) و گذشت از بدی‌های افراد (دلمی، ۱۴۰۸ق، ص ۳۳۷) تأثیر زیادی در جبران خطاهای پیشین دارند. حجاج بیت‌الله الحرام که به دنبال حفظ دستاوردهای معنوی حج و ارتقای آنها هستند، می‌توانند با عمل به این دستورالعمل به سوی سعادت واقعی گام بردارند.

۷. پاک نگه داشتن مال و دارایی

یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها برای فعالیت اقتصادی و کسب درآمد، «طیب بودن» است. این شاخص به‌طور غالب از آیاتی برداشت می‌شود که در آنها، موضوع «اکل» (خوردن)، به حلال بودن و طیب بودن مقید شده است (بقره: ۱۶۸؛ مائده: ۸۸؛ انفال: ۶۹؛ یونس: ۵۹؛ نحل: ۱۱۴؛ مائده: ۵). هر چند واژه «اکل» در لغت به معنای خوردن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۰)، به کنایه در مطلق تصرفات نیز به کار می‌رود. خوردن یکی از ارکان مهم زندگی آدمی است و منظور اصلی انسان از تصرفات را نیز

خوردن تشکیل می دهد. با این حال، معنای کنایی آن، مطلق تصرفات است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۱۸).

به هر حال، یکی از مسائل مهم در زندگی هر انسانی، شیوه کسب درآمد و جمع آوری ثروت است. اسلام از افراد می خواهد که از راه های مشروع و مجاز به این کار اقدام ورزند و از شیوه های حرام کسب درآمد، اجتناب کنند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ...﴾ (نساء: ۲۹).

«ای کسانی که ایمان آورده اید، اموال یکدیگر را به باطل [و از طرق نامشروع] نخورید (تصرف نکنید)؛ مگر اینکه تجارتي با رضایت شما انجام گیرد.»
 به فرموده پیامبر ﷺ، درهم و دینار، از عوامل مهم سقوط انسان هاست (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۱۶)، و آنان را به سوی دوزخ می کشانند (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۴۹).
 به ویژه برخی از اقسام حرام خواری؛ مانند ربا، در حکم جنگ با خدا شمرده شده است (بقره: ۲۷۹-۲۷۸). در مقابل، خوردن مال حلال و پرهیز از مال حرام مایه نورانیت قلب آدمی می گردد و خوشبختی ابدی انسان را به دنبال می آورد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۱۶). از دیدگاه اسلام، هر گونه تجاوز به حق دیگران و تصرف اموال آنان، عمل نادرست و معصیتی بزرگ است که سعادت ابدی آدمی را به باد می دهد. اصولاً حرام خواری با انواع و اقسام آن (مثل غصب، دزدی، احتکار، رباخواری، و رشوه خواری) از انسان پرهیزگار که به وظایف شرعی خود مقید است، بر نمی آید. این گونه رفتارها، معمولاً از افرادی سر می زند که کرامت نفسانی ندارند و احساس ارزشمندی نمی کنند. به فرموده امام علی علیه السلام:

«مَنْ كَرَّمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يَهِنْهَا بِالْمَعْصِيَةِ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ش، ص ۴۳۹).

درباره حجاج بیت الله الحرام نیز این مطلب صادق است. موقعیت اجتماعی بالا در کنار احساس ارزشمندی درونی آنان، باعث می شود ارزش خود را بالاتر از آن ببینند که خود را به متاع کم ارزش دنیا بفروشند و ثمرات و دستاوردهای عمل عظیم حج خود را نابود کنند. حفظ دستاوردهای مهم حج بر روح و روان و تقوای حاجیان و نیز

محافظت از شأن و جایگاه اجتماعی ایشان، مستلزم دقت نظر آنان در اموال و شیوه کسب درآمد است که امکان تکامل معنوی آنان را نیز فراهم می‌کند.

۸. رعایت حقوق مردم

انسان، موجودی اجتماعی است و در کنار سایر هموعانش به صورت اجتماعی زندگی می‌کند. بقا و تداوم زندگی اجتماعی در گرو وجود پیوندی نیرومند میان آحاد جامعه از طریق محبت، تفاهم و احترام متقابل است. آنان در این روابط، نسبت به هم حقوق و وظایفی خواهند داشت.

بدین ترتیب، یکی از وظایف انسان‌ها در قبال دیگران این است که مراقب باشند حقوق آنان را زیر پا نگذارند و به آنان ستم روا ندارند. بخشی از این حقوق، به صورت مالی است؛ مانند غصب مال دیگران؛ بخشی نیز به صورت‌های دیگر است؛ مانند ایجاد آلودگی صوتی، آلوده کردن هوا، تخریب محیط زیست، سد معبر، رسیدگی نکردن به امور مردم در ادارات و دستگاه‌ها.

رعایت نکردن حقوق دیگران به گونه‌ای ظلم به آنان به شمار می‌آید و موجب ضمان و مدیون شدن آدمی می‌گردد. احادیث متعددی وارد شده مبنی بر اینکه خداوند از حق خود می‌گذرد، اما از حق دیگران گذشت نمی‌کند؛ مگر با رضایت صاحب حق (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۳۰). حتی شهادت در راه خدا نمی‌تواند حق الناس را پاک کند. در حدیثی از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم:

«أَوَّلُ قَطْرَةٍ مِنْ دَمِ الشَّهِيدِ كَفَّارَةٌ لِذُنُوبِهِ إِلَّا الدَّيْنَ فَإِنَّ كَفَّارَتَهُ قَضَاؤُهُ» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۸۳).

«اولین قطره خون شهید، کفاره گناهان اوست؛ مگر دینی که بر ذمه او بوده است؛ چرا که کفاره آن، پرداختن آن است.»

رعایت حقوق دیگران به نفع همه است و اگر رعایت نمی‌شود یا به دلیل جهل و بی‌خبری افراد است، یا به سبب خودخواهی و توجه به منافع شخصی. اگر افراد جامعه از وظایفی که نسبت به هم دارند آگاه و به آن پایبند باشند، گذشته از حل

مشکلات دنیوی، بر حالت معنوی و ایمانی آنان نیز افزوده می‌گردد. در حدیثی از امام حسن عسکری علیه السلام می‌خوانیم:

«أَعْرِفُ النَّاسَ بِحُقُوقِ إِخْوَانِهِ وَأَشَدَّهُمْ قَضَاءً لَهَا، أَعْظَمُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۶۰).

«آگاه‌ترین مردم به حقوق برادرانش و کوشاترین آنان در رعایت آنها، ارجمندترین آنان نزد خداوند است.»

توجه به حقوق مردم در امور مالی و غیرمالی و دقت در زیر پا نگذاشتن آنها، نشانه بزرگواری و جلالت شخصیت انسان است. این خصیصه بیش از آنکه نشان‌دهنده اهمیت دادن فرد به شخصیت خود باشد، حاکی از احساس ارزشمندی و جایگاه خاص فرد در نزد خودش است. این امر، مقام و جایگاه فرد را نزد دیگران نیز ارتقا می‌بخشد و او را در چشم آنان عزیز و قابل احترام می‌سازد.

درباره حجاج خانه خدا نیز این مطلب صادق است. عامل مهم در حفظ دستاوردهای حج، ادای حقوق دیگران یا خروج از ذمه دیگران است. اگر حاجی به دیگران مقروض است یا به گونه‌ای در حق دیگری ستمی روا داشته، لازم است او را راضی کند تا از او درگذرد. کسی که نسبت به حقوق دیگران بی‌مبالات است یا از ادای دیون گذشته‌اش خودداری می‌کند، از نورانیت و معنویت برآمده از تقوا و عمل صالح، بهره‌ای نخواهد داشت. در این حالت، جایگاه فرد نزد خداوند تنزل می‌یابد و حفظ دستاوردهای حج نیز غیرممکن می‌گردد.

نتیجه‌گیری

از آنچه بیان شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که دستاوردهای معنوی حج، بسیار گسترده و حایز اهمیت است و لازم است حاجی برای حفظ و گسترش آنها در وجود خود پس از عمل حج نیز تلاش وافر به عمل آورد؛ چرا که حج، رفتاری مجزا از سایر عبادات انسان نیست. مناسک حج در کنار سایر اعمال و رفتارهای آدمی برای ارتقای

معنوی او و تقرب بیشترش به خداوند متعال است. از این رو، هرگونه کوتاهی در حفظ و گسترش دستاوردهای معنوی حج، موجب از دست دادن این فرصت بزرگ می‌گردد و میل به عبادت و ارتباط با خداوند را در انسان تنزل می‌دهد. حاجی در این مسیر، ابزارها و راهکارهای متعددی در اختیار دارد که برخی فکری و برخی دیگر عملی هستند. عزم و تصمیم قاطع در این باره، او را به حرکت و طی مسیر و بهره‌مندی هرچه بیشتر از عمل حج موفق می‌سازد.

منابع

- * قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۱. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین (۱۳۶۶ش)، شرح محقق بارع جمال الدین محمد خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، تهران، دانشگاه تهران.
 ۲. آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دارالکتب الاسلامی.
 ۳. ادیبی، حسین (۱۳۵۴ش)، جامعه‌شناسی طبقات اجتماعی، تهران، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون.
 ۴. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت.
 ۵. بشیری، ابوالقاسم و مجتبی حیدری (۱۳۹۶ش)، روان‌شناسی شخصیت؛ نظریه‌های شخصیت با نگرش به منابع دینی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
 ۶. بیرو، آلن (۱۳۶۶ش)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، کیهان.
 ۷. جعفر بن محمد علیه السلام (۱۴۰۰ق)، مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقه، بیروت، اعلمی.
 ۸. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۴ش)، شاخص‌های سبک زندگی اسلامی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
 ۹. جوانبخت، فاطمه و همکاران (۱۳۹۷ش)، «واکاوی تأثیر تفکر و تعقل در تعمیق ایمان دینی از منظر قرآن»، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال دوم، شماره ۲ (شماره پیاپی: ۷۵)، تابستان.
 ۱۰. حیدری، مجتبی (۱۳۹۶ش)، حج و سبک زندگی اسلامی، تهران، نشر مشعر.

۱۱. دیلمی، حسن بن محمد، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم، مؤسسه آل البیت (علیهم السلام).
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دمشق، دار القلم، دار الشامیه، چاپ اول.
۱۳. سبحانی نیا، محمد تقی (۱۳۹۴ش)، رفتار اخلاقی انسان با خود، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، چاپ دوم.
۱۴. سیف، علی اکبر (۱۳۷۷ش)، روان شناسی پرورشی (روان شناسی یادگیری و آموزش)، تهران، انتشارات آگاه.
۱۵. صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶ش)، الأمالی، تهران، انتشارات کتابچی.
۱۶. صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۸ق)، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، تهران، نشر جهان.
۱۷. صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۵ق)، علل الشرایع، نجف، المكتبة الحیدریه.
۱۸. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم.
۱۹. ضیاء آبادی، سید محمد (۱۳۹۲ش)، حج برنامه تکامل، تهران، انتشارات بنیاد خیریه الزهراء.
۲۰. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۲۱. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، الإحتجاج علی أهل اللجاج، تحقیق محمد باقر خراسان، مشهد، نشر مرتضی، چاپ اول.
۲۲. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵ق)، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، نجف، المكتبة الحیدریه، چاپ دوم.
۲۳. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق)، مصباح المتهدّج و سلاح المتعبّد، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، چاپ اول.
۲۴. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۳۷۹ش)، راه روشن (ترجمه کتاب المحجة البيضاء فی تهذیب الإحیاء). ترجمه سید محمد صادق عارف، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
۲۶. کوزر، لوئیس (۱۳۷۳ش)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.

۲۷. لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶ش)، عیون الحکم و المواعظ، قم، دار الحدیث، چاپ اول.
۲۸. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم.
۲۹. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴ش)، به سوی خودسازی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳۰. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الإختصاص، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول.
۳۱. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
۳۲. ورام، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰ق)، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعة ورام، قم، المكتبة الفقهية.